

بررسی انتخابات در جمهوری اسلامی ایران و غرب

محمدرضا مؤمن*

چکیده

حق مشارکت سیاسی که حقی بنیادین برای احیای بسیاری از حقوق اساسی دیگر است، از حق تعیین سرنوشت ناشی می‌شود و آن نیز ثمره منطقی حق حیات است که اولی‌ترین حقوق انسانی می‌باشد. نمود و بروز حق تعیین سرنوشت در انتخابات است. برخلاف نظام‌های غربی، انتخابات در نظام اسلامی هم حق است و هم تکلیف. تصدی مشاغل عمومی و سیاسی از باب تکلیف بوده و با توجه به اصل شایسته‌سالاری، فقط برای کسانی جایز است که صلاحیت آن را داشته باشند؛ براین اساس، کیفیت انتخابات و به‌ویژه شرایط انتخاب شونده‌گان، تفاوت بسیاری با نظام‌های غربی مبتنی بر لیبرالیسم و اومانیزم خواهد داشت.

واژگان کلیدی: حق تعیین سرنوشت، حق مشارکت سیاسی، انتخابات، نظام انتخاباتی، کیفیت انتخابات

*. دکتری حقوق عمومی دانشگاه فارابی تهران، mr.momen110@mail.com .

مقدمه

حق تعیین سرنوشت، پس از حق حیات، بنیادی ترین حق انسان می باشد؛ زیرا برآورده کردن بسیاری از حقوق مدنی و سیاسی، به تضمین این حق بر می گردد. از جلوه های آشکار حق یقینی سرنوشت، حق مشارکت سیاسی است. به رسمیت شناختن و احترام به این حق، عامل ایجاد نظام سیاسی و حکومتی مردمی مبتنی بر ارزش ها و خواست های جامعه است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۹: ۸۹). مشارکت سیاسی، هرگونه رفتار و عمل فردی است که هدف آن تحت تأثیر قرار دادن سیاست گذاری های عمومی یا انتخاب رهبران سیاسی یا اعمال نظر رهبران بر مردم و یا، به طور خلاصه، تصمیم گیری و تقاضا در بین مردم و دولت است (عالم، ۱۳۸۰: ۲۳۴).

مشارکت سیاسی در سه حوزه مفهومی جمهورییت نظام، توسعه سیاسی و جامعه مدنی مطرح می شود (سیف زاده، ۱۳۷۳: ۱۶۶). و سطوح پنج گانه آن عبارت اند از: ۱. مشارکت در انتخاب شدن (حق رأی دادن)، سطح حداقلی ۲.

مشارکت در تشکل های سیاسی و آزادی های وابسته به آن ۳. حق انتخاب شدن و آزادی های مربوط به آن ۴. مشارکت در اصلاحات درون ساختاری ۵. مشارکت در اصلاحات بنیادین نهادها و ساختارهای حکومتی (قانون اساسی و قوانین ارگانیک) (تقوی، ۱۳۸۰: ۱۹۶).

مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

نوع حکومت، هر چند در قانون اساسی آمده است، لیکن موجودیت و مشروعیت آن مقدم بر تصویب قانون اساسی می باشد؛ زیرا پیش از آن با همه پرسی به تأیید امت و امام رسیده بود و محتوای قانون اساسی ناگزیر باید ساختارهای این حکومت را تبیین کند. در اصل ۵۶ قانون اساسی با تأکید بر تعلق حاکمیت بالاصاله به خداوند متعال، بر حق خدادادی تعیین سرنوشت انسان آشکارا اشاره شده و این حق سلب نشدنی و انحصار ناپذیر بر شمرده شده است. در بند هشتم اصل سوم نیز دولت جمهوری اسلامی موظف است که زمینه های مشارکت همه مردم در تعیین

تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت، تدبیر شده است. از این دیدگاه، انتخابات به معنی فنون گزینش و شیوه‌های گوناگون تعیین نمایندگان است؛ به عبارت دیگر، ابزاری است که به وسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد (قاضی، ۱۳۶۸: ۶۷۹).

امروزه سه‌گونه انتخابات اهمیت ویژه دارند و کانون توجه محافل سیاسی - اجتماعی قرار می‌گیرند: ۱. انتخاب رئیس دولت - کشور در نظام‌هایی که این منصب جدا از رئیس دولت است، ۲. انتخاب رئیس‌جمهور در رژیم‌های جمهوری و ۳. انتخاب نمایندگان مجلس.

در حکومت اسلامی نیز یکی از ارکان حکومت، رضی‌العامه است. این رضایت، در تأسیس، انتصاب کارگزاران و نحوه اداره حکومت، حدوثاً و بقائاً، باید وجود داشته باشد. از مجموعه ادله مربوط به اندیشه‌های مسلمانان و مشارکت آنان در نحوه اداره امور کشور چنین استنباط می‌شود؛ هر چند که اصل

سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خویش را فراهم کند.

قانون اساسی در اصول گوناگون خود مظهر تبلور اسلامیت و جمهوریت است. امام خمینی^ع بر لزوم جمهوریت و اسلامیت اشاره کرده و می‌فرماید:

ما خواستار جمهوری اسلامی هستیم. جمهوری فرم و شکل حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی، یعنی محتوای آن فرم، قوانین الهی است (امام خمینی^ع، ۱۳۷۸: ج ۵، ۳۹۸).

تحقق اسلامیت نظام با این سه شرط است: ۱. اعمال حاکمیت الهی ۲. اجرای احکام و موازین شریعت و رضی‌العامه است که در اصول ۴، ۵ و ۶ قانون اساسی خلاصه شده است؛ در واقع، تحقق اراده عام، یعنی رضی‌العامه، خود جزئی از اسلامیت نظام است و حکومت اسلامی لزوماً جمهوریت را در مفهومی خاص از آن در بطن خود دارد.

انتخابات

انتخاب واژه‌ای عربی و به معنای گزینش است و در اصطلاح، مجموعه عملیاتی است که برای گزینش فرمانروایان، با

ثبوت مشروعیت حکومت به آرای عمومی بستگی ندارد؛ ولی تولی امور مسلمین، اداره امور آنان و اعمال ولایت و سلطه بدون رضایت آنان، عملاً ناممکن است؛ بنابراین، انتخابات و اتکا به آرای عمومی از مصادیق آشکار رضی العامه است.

این همان مطلبی است که امام علیه السلام در پاسخ به استفتای دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه مبنی بر اینکه: در چه صورت فقیه جامع الشرایط بر جامعه اسلامی ولایت دارد؟ فرمودند:

ولایت در جمیع صور دارد، لکن تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت، بستگی دارد به آرای اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم از آن یاد شده است و در صدر اسلام تعبیر می شده به بیعت مسلمین (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸: ج ۲۰، ۴۵۹).

مقام معظم رهبری علیه السلام نیز به رضی العامه اشاره کرده اند:

نظر مردم تعیین کننده است، اما نسبت به آن انسانی که دارای معیارهای لازم است. اگر معیارهای لازم در آن انسان نباشد، انتخاب نمی تواند به او مشروعیت

بخشد. آن کسی که این معیارها را دارد و از تقوا و صیانت نفس و دین داری کامل و آگاهی لازم برخوردار است، آن وقت است که می رسد به قبول ما، اگر همین آدم را با همین معیارها مردم قبول نکردند، باز مشروعیت ندارد، چیزی به نام حکومت زور در اسلام نداریم^۱ (امام خامنه ای علیه السلام، ۱۳۶۷: ج ۱، ۳۳).

بنابراین، تولی امور عمومی مانند دولت و مجلس بدون رضایت امت ممکن نیست (همان، ص ۱۸۶-۱۸۲). امیر مؤمنان، امام علی علیه السلام از عهد پیامبر صلی الله علیه و آله با ایشان چنین یاد می کنند:

یا بنی طالب، لک ولاء امتی فان و لئوک فی عافیة و اجمعوا علیک بالرضا فقم بامرهم و إن اختلفوا علیک فدعهم و ما هم فیه» (نوری، ۱۹۸۸: ج ۱۱، ۷۸).

در این روایت اصل ولایت، امری الهی توصیف شده و نظر مردم در مشروعیت آن هیچ مدخلیتی ندارد؛ اما اعمال و برآورده کردن آن مشروط به رضایت عامه است.

۱. ر.ک. محمدجواد ارسطا، مبانی تحلیلی جمهوری اسلامی ایران، ص ۴۴۴-۴۷۷.

ماهیت انتخابات

در باره ماهیت انتخابات، یکی از مسائل مهم این است که آیا مشارکت در انتخابات و رأی دادن حق است یا تکلیف، یا هر دو و یا از باب دیگری است. در هر نظامی میزان اراده و نقش مردم در تعیین سرنوشت خویش و اختیار انتخاب حکمرانان، بنابر میزان حقوق و تکالیف متقابل مردم و دولت، متفاوت است. این تفاوت بیشتر از نوع جهان بینی مادی یا الهی حاکم بر حکومت‌ها، و اختلاف مبنا در فلسفه سیاست نشئت می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۲۸). این امر موجب بروز اختلاف نسبت به حق یا تکلیف بودن حضور در انتخابات می‌شود.

نظریه حق بودن رأی و شرکت در

انتخابات

بر اساس این دیدگاه، اگر حاکمیت مردم ماحصل جمع سهام حاکمیت هر شهروند باشد، صاحب سهم حاکمیت، یعنی شهروند، حق دارد که در سازماندهی حکومت و صورت‌بندی اقتدار عالی سیاسی همکاری و مشارکت

کند. اگر این همکاری و مشارکت از راه انتخابات تحقق یابد، پس هر شهروند حق رأی دارد. بنابراین، این حق در اصل متعلق به هر شهروندی است که صاحب سهم حاکمیت به‌شمار می‌آید و به همین دلیل، هیچ‌کس و هیچ‌مقامی نباید این حق را از او بگیرد. از سوی دیگر، رأی دادن حق شخص است، و او مخیر است از آن استفاده کند. به‌کارگیری این حق یا خودداری از آن به‌گونه‌ای حق مشروع هر شهروند به‌شمار می‌رود و استفاده کردن یا نکردن از آن به‌اراده شهروند بستگی دارد (قاضی، ۱۳۶۸: ۶۸۵). نظریه حاکمیت مردم یا حاکمیت تقسیم شده، بر پایه اندیشه اومانیزم، اصالت انسان و انسان‌گرایی و در واقع، انسان‌پرستی و بت‌پرستی مدرن است.

نظریه کار ویژه‌ای انتخابات (تکلیف

بودن شرکت در انتخابات)

نظریه کار ویژه‌ای برخلاف نظریه حق شخصی، شرکت در انتخابات را حق ملی می‌داند که متعلق به ملت در کلیت آن است و یکایک مردم، عناصر سازنده آن هستند. این نظریه از نظریه حاکمیت ملی

نظریه الهی شرکت در انتخابات (حق و تکلیف)

در اندیشه اسلامی، حقوق و تکالیف اجتماعی پیوسته ملازم یکدیگر می‌باشند و به تعبیر امیر مؤمنان علیه السلام، تنها در برابر خداوند متعال است که حق متقابل معنا ندارد (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷). در حکومت اسلامی بر اساس اصول کرامت انسانی، آزادی، حق حیات و حق تعیین سرنوشت، شرکت در انتخابات حقی طبیعی و اولیه و شرعی برای انسان است که هیچ‌کس نمی‌تواند او را از این حق محروم کند؛ از سوی دیگر، با توجه به مسئولیت انسان مسلمان در اجتماع و اصول تعاون و سبقت در امور خیر، امر به معروف و نهی از منکر، و جوب دعوت، لزوم اجرای احکام و موازین اسلامی، و جوب اصلاح امور جامعه و قطع ماده فساد، ضرورت حفظ، تقویت و استحکام نظام اسلامی، و مبارزه با کفر و... می‌توان گفت که شرکت در انتخابات تکلیف و واجب شرعی است؛ بنابراین، در اندیشه اسلام و نظام دینی، شرکت در انتخابات هم حق است و هم تکلیف و جمع این دو منافاتی با یکدیگر

ناشی شده است؛ برخلاف نظریه حاکمیت مردم - که معتقد به اصالت فرد می‌باشند - این نظریه بر پایه اصالت الجمع است و حق انتخاب در اصل در اختیار ملت است که می‌تواند آن را به وسیله دولت به عنوان نماد حاکمیت ملی به هر کس که بخواهد تفویض کند و آنان را به شرکت در انتخابات به عنوان وظیفه ملی الزام نماید (قاضی، ۱۳۶۸: ۶۸۶).

بر نظریه «قدرت قانونی» برخی معتقدند که نظریه مورد توافق درباره شرکت در انتخابات، در اندیشه معاصر این است که انتخاب نه حق است و نه وظیفه، بلکه نوعی قدرت و امکان قانونی است که فرصت تحقق و عملی ساختن مصالح عمومی را به رأی دهندگان اعطا می‌کنند؛ بر این اساس، قانون به عنوان شاخص اصلی، مفهوم و مضمون این قدرت و شروط به کارگیری آن را برای همه شهروندان، بدون هیچ‌گونه تفاوتی، معین و مشخص می‌کند، البته قانون‌گذار می‌تواند تقییدات، تعدیلات و تغییراتی را در شروط اعمال حق انتخاب بر حسب مصالح ملی ایجاد کند. (اصلائی، ۱۳۹۱: ۲۷۶).

بودن آرا و نظام انتخاباتی. اصل ۶۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مستقیم و مخفی بودن انتخابات مجلس شورای اسلامی تصریح دارد؛ ولی دیگر کیفیات را به قانون عادی ارجاع داده است. همگانی و آزاد بودن در ماده ۷ قانون انتخابات مجلس و در ماده ۱۰ قانون انتخابات ریاست جمهوری و در ماده ۲ آیین نامه اجرایی انتخابات خبرگان تأیید شده است.

همگانی بودن: مفهوم عمومی یا همگانی بودن انتخابات این است که همه اهالی مملکت - بدون هیچ گونه تبعیض نژادی، دینی، جنسیتی، اقتصادی و اجتماعی - از حق مشارکت در انتخابات برخوردارند. عمومی بودن انتخابات بدین معنا نیست که برای انتخاب کنندگان یا انتخاب شونده‌گان هیچ شرطی وجود نداشته باشد. برای رأی دهندگان به طور معمول دست کم شرایط محدودکننده مانند تابعیت، سن و نداشتن جنون در تمام نظام‌های سیاسی وجود دارد. اعمال برخی شرایط محدودکننده برای مصلحت عام و بدون

ندارد. در نظام ولایت فقیه، چنانچه شرکت در انتخابات عنوان اعانت و اطاعت ولی امر را پیدا کند، واجب عینی خواهد بود.

امام خمینی علیه السلام درباره حق و تکلیف بودن شرکت در انتخابات فرمودند:

این ملت - هرملتی - حق دارد خودش تعیین کند سرنوشت خود را (امام خمینی، ۱۳۷۸: ج ۳، ۵۰۳). باید همه شما، همه مازن و مرد، هر مکلف همان طور که باید نماز بخواند، همان طور باید سرنوشت خودش را تعیین کند (همان، ج ۱۵، ص ۲۸).

حضرت امام خامنه‌ای علیه السلام فرماید: هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به دست خودشان معین کنند... این حق مردم و متعلق به آن هاست، اما تکلیف هم هست (بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام، ۱۳۷۸/۱۱/۲۶).

کیفیت انتخابات

از جمله کیفیات مربوط به انتخابات عبارت است از:

عمومی و همگانی، مستقیم، برابری آرا، مخفی، اختیاری، سراسری یا منطقه‌ای

اغراض سیاسی، خلاف اصل همگانی بودن نیست.

اختیاری بودن: منظور از آزادی و اختیاری بودن این است که افراد در اصل انتخابات و انتخاب گزینه مورد نظر خود مجبور نباشند. در برخی کشورها مانند بلژیک، برزیل، استرالیا، ترکیه، یونان، لوگزامبورک و اتریش، اهالی موظف به مشارکت در انتخابات هستند و متخلفان به پرداخت جریمه محکوم می شوند (هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۲۳). در برخی کشورها که احزاب بر اوضاع سیاسی مسلط اند و انتخابات با رأی دادن به فهرست داوطلبان حزبی به صورت لیست بسته (بدون حق تغییر) انجام می شود، آزادی انتخاب رأی دهندگان، کمابیش تحت الشعاع اراده سیاسی احزاب قرار می گیرد و در واقع، حاکمیت احزاب جای حاکمیت مردم را می گیرد. از طرف دیگر، چون سازوکار تبلیغاتی و امکانات مادی احزاب بیشتر است، داوطلبان مستقل و احزاب ضعیف شانس ورود به صحنه سیاسی را از دست می دهند (همان، ۲۲۷). کشور آمریکا از

جمله این کشورهاست. امام خمینی ره در مورد آزادی در انتخابات فرمودند:

مردم در سراسر کشور در انتخاب فرد مورد نظر خود آزادند و احدی حق تحمیل خود یا کاندیداهای گروه یا گروه‌ها را ندارد... (امام خمینی ره، ۱۳۷۸: ج ۱۸، ۳۳۸).

برابری: برابری در انتخابات یعنی حاکمیت قاعده «یک نفر یک رأی». امام خمینی ره رأی رئیس جمهور، نخست وزیر، کشاورز و بازاری را مساوی می داند و برای هر کدام حق یک رأی قائل است (همان، ج ۱۸: ۲۸۳).

رأی مساوی به این مفهوم است که هیچ شرط محدود کننده مالیاتی، نژادی، جنسیتی، شغلی و عملی برای شرکت کنندگان وجود نداشته باشد. در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی هیچ شرط محدود کننده‌ای که به نابرابری شرکت کنندگان منجر شود، وجود ندارد. در شیلی و فیلیپین سواد خواندن و نوشتن و در بعضی از ایالات جنوبی آمریکا، خواندن قانون اساسی یا توضیح آن، شرط برخورداری از حق رأی است (قاضی، ۱۳۶۸: ۶۹۰).

در باره معلولان، نابینایان و بی سوادان است.

انتخابات مستقیم و غیرمستقیم

در انتخابات مستقیم، رأی دهندگان نمایندگان و مقام سیاسی دلخواه خود را بی هیچ واسطه‌ای انتخاب می‌کنند. نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور در جمهوری اسلامی ایران و بیشتر کشورهای جمهوری دنیا به‌طور مستقیم و بی‌واسطه انتخاب می‌شوند. این انتخابات یک درجه‌ای است. انتخابات غیرمستقیم دو درجه‌ای یا دو مرحله‌ای برگزار می‌شود؛ بدین صورت که رأی دهندگان نمایندگان را انتخاب می‌کنند و سپس این نمایندگان اعضای پارلمان یا رئیس‌جمهور را برمی‌گزینند. انتخاب رئیس ایالات متحده آمریکا (رئیس‌جمهور) دو مرحله‌ای است. در مرحله نخست مردم در هر ایالتی هیئت انتخاب‌کننده رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند و در مرحله بعد تمام هیئت‌ها در روزی معین رئیس‌جمهور و معاون او را از بین نامزدهای ریاست جمهوری، که از سوی احزاب معرفی

در قسمتی از ایالات آمریکای شمالی، درآمد کافی برای ادامه حیات یا پرداخت عوارض ویژه انتخابات، پیش شرط شرکت در انتخابات است (همان، ۶۸۸). امروزه، تفاوت جنسیتی در برخورداری از حقوق، فقط در حکومت‌های قرون وسطایی، مانند عربستان، وجود دارد و در دیگر کشورها این نابرابری از بین رفته است.

زنان در آمریکا از ۱۹۲۰، در بریتانیا از ۱۹۲۸، و در فرانسه از ۱۹۴۴ از حق رأی برخوردار شدند. در سوئیس مردان طی فراندوم سال ۱۹۵۴ با حق رأی زنان مخالفت کردند، ولی در سال‌های بعد با حق رأی زنان موافقت کردند (همان، ۶۹۱).

مخفی بودن: شیوه رأی مخفی برای تضمین آزادی اشخاص و صحت انتخابات است. محل‌های اخذ رأی، صندوق‌ها و تعرفه‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که امکان قرائت آرای اشخاص وجود نداشته باشد. مسئولان صندوق‌های اخذ رأی نیز به پرهیز از تلاش برای آگاهی از آرای رأی‌دهندگان مکلف‌اند. امروزه، در همه کشورها، این نظریه پذیرفته شده و موارد خاص فقط

می شوند، انتخاب می کنند (قانون اساسی آمریکا، بند ۱، ماده ۲). انتخاب نمایندگان مجالس ایالتی به طور مستقیم از سوی مردم است. کنگره آمریکا مرکب از مجلس سنا و مجلس نمایندگان است. اعضای مجلس نمایندگان به طور مستقیم از سوی مردم ایالات انتخاب می شوند (همان، بند ۲، ماده ۱). مجلس سنا، که تعداد اعضای آن حدود یک چهارم مجلس نمایندگان است، از طرف هیئت مقننه (مجالس) ایالات انتخاب می شوند (همان، بند ۳).

در فرانسه رئیس جمهور برای هفت سال با رأی مستقیم و اکثریت مطلق در دور نخست و اکثریت نسبی در دور دوم انتخاب می شود. از شرایط داوطلبی، معرفی از سوی حداقل یکصد نفر از نمایندگان مجلس ملی، مجلس سنا، شورای اقتصادی و اجتماعی، یا شوراهای ولایتی و شهرداری است (قانون اساسی فرانسه، اصل ۷). رئیس جمهور فدراسیون روسیه توسط اتباع فدراسیون روسیه برای مدت چهار سال، بر اساس حق انتخاباتی عمومی، برابر و مستقیم با

رأی مخفی انتخاب می شود (قانون اساسی فدراسیون روسیه، ماده ۸۱).

نظام انتخاباتی

در قوانین انتخاباتی به طور معمول برای احراز عنوان نمایندگی، کسب نصاب خاصی از آرا مورد نظر قرار می گیرد. در این باره به سه شیوه توجه می شود: ۱. نظام اکثریتی ساده ۲. نظام اکثریتی دو مرحله ای و ۳. نظام تناسبی.

در اکثریت ساده، معیار کسب اکثریت نسبی به هر میزان است و انتخابات یک مرحله ای است. در این نوع اکثریت ممکن است، به دلیل توزیع آرا، بین تعداد کثیری از داوطلبان، فرد حائز اکثریت، از میزان آرای کمی نسبت به کل آرا برخوردار بوده و در واقع، از پشتوانه محکمی برخوردار نباشد.

در اکثریت دو مرحله ای، کسب نصاب خاصی مانند مطلق آرا، یک سوم و یک چهارم آرا لازم بوده و هدف آن است که فرد برگزیده، دارای پشتوانه آرای چشمگیری باشد. چنانچه در مرحله نخست موفق به کسب نصاب دلخواه نشود، با رقابت محدودتر در مرحله دوم

مشارکت سیاسی است و شرایط شرکت آنان باید به نحوی باشد که کمترین محدودیت و محرومیت و بیشترین مشارکت را فراهم کند. در بیشتر کشورها سه شرط تابعیت، سن و نداشتن جنون برای رأی دهندگان در نظر گرفته می شود که مغایر با حق مشارکت بر شمرده نمی شود.

تابعیت: شرط تابعیت برای اثبات تعلق و بیگانه نبودن و جلوگیری از نفوذ و تسلط بیگانگان است. افراد خارجی و افراد بدون تابعیت، از برخی حقوق مانند حق مشارکت سیاسی محروم اند، ولی اشخاص دارای تابعیت اصلی از تمام حقوق سیاسی و مدنی، از جمله حق مشارکت (انتخاب شدن و انتخاب کردن)، برخوردارند، اما وضعیت تابعین اکتسابی متفاوت است. در جمهوری اسلامی ایران کسانی که تابعیت ایرانی بگیرند، از همان ابتدا می توانند از حق رأی برخوردار شوند، در فرانسه و مصر اشخاص پس از پنج سال از پذیرش تابعیت و در بلژیک پس از گذشتن مدتی از تابعیت مقدماتی و

با اکثریت نسبی نتایج مشخص می شود. این شیوه انتخابات در ایران درباره مجلس و ریاست جمهوری مرسوم است.

در نظام تناسبی اصل بر این است که هر حزب و گروه سیاسی، به تناسب آرای که دارد، از کرسی نمایندگی در مجلس بهره مند شود؛ برای مثال، اگر دارای ۴۹ درصد آراست ۴۹ درصد کرسی ها متعلق به آن حزب باشد، نه آنکه صد درصد کرسی ها در اختیار حزبی باشد که دارای ۵۱ درصد آراء می باشند. این شیوه را، به دلیل متناسب بودن کرسی های مجلس با آرا احزاب، تناسبی خوانده اند. این نظام الزاماً نظام انتخاباتی فهرستی (لیستی) خواهد بود (ر.ک. اصلانی، ۱۳۹۲: ۲۸۳-۲۸۴).

شرایط انتخاب کنندگان

یکی از مسائل مهم انتخابات که هم با آزادی مشارکت سیاسی، و هم با اداره به قاعده و به سامان کشور رابطه متقابل و محکم دارد، شرایط رأی دهندگان و داوطلبان است. در رابطه با انتخاب کنندگان، قاعده اولیه، حق

کسب کامل تابعیت حق رأی خواهند داشت (مدنی، ۱۳۷۴: ۱۲۷).

سن: سن انتخابات در بیشتر کشورها بین ۱۸ و ۲۳ سال متغیر است. در جمهوری اسلامی ایران، بلغارستان، مجارستان، رومانی، مصر و روسیه ۱۸ سال، در ژاپن و سوئیس ۲۰ سال، در بلژیک، آلمان، انگلستان، یونان، هندوستان، پاکستان، ترکیه و ایالات متحده آمریکا ۲۱ سال، در مالزی ۲۲ سال، و در دانمارک ۲۳ سال به عنوان حداقل سن مشارکت اعلام شده است (مدنی، ۱۳۷۴: ۱۲۹). اثبات سن قانونی بر عهده رأی دهنده است.

سلامت روانی: اصل بر سلامت روانی، عقل، اراده سالم، آزاد و مستقل است؛ بنابراین، افراد مجنون و سفیه از شرکت در انتخابات محروم اند. معلولیت های جسمانی در هیچ کشوری باعث محرومیت از شرکت در انتخابات نیست.

سوء سابقه: برای شرکت در انتخابات داشتن حسن سابقه شرط نیست. و غالباً سوء سابقه مانع مشارکت نمی شود؛ به همین دلیل، در زندان ها هم

صندوق رأی گذاشته می شود، چون مشارکت به عنوان حقی مسلم فرض شده است. در برخی کشورها مانند فرانسه و لبنان، محکومین به ورشکستگی به تقلب، از حق رأی محروم اند (همان، ۱۳۰).

شغل: شغل اشخاصی قاعداً نباید مانع اجرای حق مشارکت آنان شود. دلیل کافی برای این نوع محرومیت وجود ندارد؛ با این حال، در بعضی از کشورها عقیده بر آن است که حضور صاحبان برخی مشاغل در صحنه انتخابات ممکن است جریان انتخابات را از مسیر اصلی خارج کند یا گرایش سیاسی آنان مغایر با رسالت شغلی آنان باشد. در ترکیه و برزیل نظامیان از شرکت در انتخابات محروم اند (همان، ۱۳۱).

شرایط یاد شده، که در بیشتر نظام ها وجود دارد، حداقل شرایط رأی دهنده است؛ اما شرط اصلی، آگاهی، تعهد و تکلیف رأی دهنده است. امام خمینی علیه السلام در باب تکلیف رأی دهندگان فرمودند:

...احدی شرعاً نمی تواند به کسی کور کورانه و بدون تحقیق رأی دهد و اگر در صلاحیت شخص یا اشخاصی تمام

۳. ظلم به افراد شایسته که استحقاق تصدی امور را داشتند و رأی او مانع شد.

شرایط انتخاب شوندهگان

در اندیشه اسلامی، نظام اداره کشور بر پایه شایسته سالاری است. اصل شایستگی شامل همه متصدیان و کارگزاران در همه سطوح متناسب با منصب و شغل آنان است. پیامبر صلی الله علیه و آله از شرط کاردانی و لیاقت امام و دیگر کارگزاران حکومتی با عنوان «حسن الولاية» یاد کرده و می فرماید: «...

وحسن الولاية علی من یلی حتی یكون لهم كالوالد الرحيم» (قزوینی، ۱۳۷۱: ۶۷). مفهوم سخن پیامبر صلی الله علیه و آله این است که مناصب و امور عمومی، به طور قطع، باید به دست افراد خیره سپرده شود و در صورتی که کفایت لازم را نداشته باشند، حق تولی امور را ندارند و در صورت دخالت ضامن اند و مسئولیت دارند.

با توجه به آنچه در اهمیت تصدی امور عمومی و سیاسی گفته شد، قاعدتاً شرایط انتخاب شوندهگان سخت تر و پیچیده تر از انتخاب کنندگان خواهد بود. شرایط در رئیس کشور و رؤسای

افراد و گروه ها نظر موافق داشتند، ولی رأی دهنده تشخیصش برخلاف همه آنها بود، تبعیت از آنها صحیح نیست و نزد خداوند مسئولیت دارد (امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۸: ج ۱۸، ۳۳۷).

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب حضرت امام خامنه ای دامت الله تعالی در اهمیت و وظیفه انتخاب کنندگان می فرماید:

... همچنان که شرکت در انتخاب یک وظیفه است، گزینش خوب و آگاهانه هم یک وظیفه است (بیانات امام خامنه ای دامت الله تعالی در دیدار بار و حانیون، ۱۳/۲/۱۳۷۶).

در روایتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ اسْتَعْمَلَ عَامِلًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّ فِيهِمْ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنْهُ وَ اعْلَمَ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ» (الغدیر، ج ۸، ۲۹۱).

رأی به افراد ناشایست سبب حداقل سه ظلم بین می شود:

۱. ظلم به همان شخص که غیر واجد شرایط است و برای او ایجاد مسئولیت دنیوی و اخروی می کند؛

۲. ظلم در حق جامعه که باعث شده فرد ناصالح متولی امور آنان شود؛

به گونه‌ای است که قیاس ناپذیر و تطبیق ناپذیر است.

در بحث نمایندگان قوه مقننه به طور معمول دو گونه شرایط در نظر گرفته می‌شود: شرایط اثباتی و شرایط سلبی

شرایط اثباتی: تابعیت، سن، مدرک تحصیلی، سلامت جسمی و روحی با تفاوت‌های مختصر، از جمله شرایطی است که در همه نظام‌های سیاسی برای داوطلبان نمایندگی پارلمان وجود دارد. در ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی به این شرایط اشاره شده است. در جمهوری اسلامی تابعیت اصلی از شرایط احراز نمایندگی مجلس و بسیاری از مناصب سیاسی است و تابعین اکتسابی حق تصدی مناصب مهم حاکمیتی را ندارند (قانون مدنی، ماده ۹۸۲). در فرانسه برای نمایندگی مجلس اول ده سال سابقه تابعیت و برای مجلس دوم، تابعیت اصلی شرط است. در انگلستان برای هر دو مجلس عوام و اعیان، تابعیت اصلی انگلیس شرط عضویت است، در آمریکا هفت سال تابعیت برای مجلس نمایندگان و نه سال تابعیت برای سناتوری لازم است (قاضی، ۱۳۷۴: ۷۰۵).

جمهوری سخت‌گیرانه‌تر از نمایندگان مجلس است. شرایطی که در اصول پنجم و یکصد و نهم برای مقام رهبری در جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است، برای هیچ‌یک از مناصب و مقامات نظام‌های سیاسی دنیا وجود ندارد، حتی شرایط عمومی مانند عدالت، تقوا، مدیریت، شجاعت، قدرت و... این امر به دلیل جایگاه سیاسی، مذهبی و معنوی هدایت‌گرانه رهبری و نیابت ایشان از امام معصوم علیه السلام است. نظیر این مقام و نیز مجلس خبرگان، که مسئولیت انتخاب رهبری را بر عهده دارد، در هیچ یک از نظام‌های سیاسی وجود ندارد. ریاست دولت و کشور در بیشتر نظام‌های سیاسی یا بر عهده رئیس جمهور بوده، که مقام عادی سیاسی و رئیس قوه مجریه است؛ یا بر عهده سلاطین و امپراتوران است، مانند انگلستان که اساس چنین رژیم‌هایی در اندیشه اسلامی نامشروع و باطل است. بنابراین، فاصله رؤسای کشورها از نظر شرایط و نحوه احراز منصب ریاست کشور، با رهبری در جمهوری اسلامی

سن داوطلبان نمایندگی مجلس در ایران دست کم سی سال و حداکثر ۷۵ سال و در دیگر نظام‌های سیاسی شرط سنی از ۲۱ سال تا ۴۰ سال است که به طور معمول شرط سنی بیش از سی سال مربوطه به مجالس دوم است (همان، ۷۰۴).

سواد و سلامت جسمی: برای

داوطلبان نمایندگی مجلس در جمهوری اسلامی، داشتن کارشناسی ارشد یا معادل آن، و سلامت جسم در حد برخورداری از نعمت شنوایی، بینایی و گویایی است، در بعضی از نظام‌های انتخاباتی به این شرایط اشاره نشده است؛ ولی از نظر عقلی این شرایط از کمترین لوازم تصدی نمایندگی است و بدون آن‌ها انجام دادن وظایف نمایندگی با سختی همراه است.

اعتقاد و التزام دینی: اعتقاد و التزام

عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی، نخستین شرط اثباتی می‌باشد که در اصل ۲۸ آمده و در بند سوم ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت فقیه به عنوان شرط سوم درج شده است. نظام جمهوری اسلامی، نظامی دینی مبتنی بر اصول، موازین و

احکام اسلام است و قانون اساسی بر این مبنا شکل گرفته است. انجام دادن وظیفه در مجلس قانون‌گذاری این نظام، مستلزم اعتقاد و التزام به اسلام و مبانی این نظام، از جمله قانون اساسی و ولایت فقیه، است. تفاوت بین فرد معتقد و ملتزم و غیر آن، در اظهار و انجام است و چون در تصدی سمت، احراز شرایط لازم است؛ از این رو، اعتقاد و التزام باید در عمل دیده شود و افزون بر آن، قول و فعلی که مغایر آن باشد، دیده نخواهد شد. درباره وفاداری نیز مسئله به همین منوال است.

مقام معظم رهبری علیه السلام در این باره می‌فرماید:

در نظام‌های غربی نیز صلاحیت‌های خاصی مورد نظر است که عمده آن وابستگی‌های حزبی است، اما در نظام جمهوری اسلامی علاوه بر دانایی و کفایت سیاسی، کفایت اخلاقی و اعتقادی هم لازم است... (بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در دیدار با مردم قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۶).

در بسیاری از رژیم‌های سیاسی و نظام انتخاباتی آنان، اعتقاد، التزام و

وفاداری آشکارا ذکر نشده است، ولی در قوانین اساسی و دیگر قوانین آنان، بر سکولاریسم، لیبرالیسم و لائیسزم تصریح و تأکید شده است و این خود به معنای پایبندی حکومت به یک مکتب است. مسلم است مکانیسم‌های انتخاباتی و احزاب منضبط، که نمایندگان از طریق آنان به قدرت می‌رسند، به هیچ وجه اجازه عضویت مخالف را نمی‌دهند؛ چون پس از پذیرش اساسنامه و پایبندی به سیاست‌های حزبی، امکان نمایندگی وجود دارد. افزون بر آن، بیشتر رژیم‌های غربی در قانون اساسی خود از هرگونه تقید به مذهب و عقیده تبری جسته‌اند و دولت را غیردینی معرفی کرده‌اند؛ در این صورت، شرط نبودن مذهب و جدایی دین از سیاست، نوعی ایجاد محدودیت و مغایر حق و آزادی مشارکت است.

شرایط سلبی: شرایط سلبی، مربوط به شغل است یا سوابق داوطلب. داشتن برخی مشاغل در سراسر کشور یا در حوزه انتخاباتی، با داوطلبی مجلس مانع‌الجمع است، مگر اینکه شش ماه قبل از ثبت نام استعفا داده باشند. در ماده

۲۹ قانون انتخابات به این شرایط اشاره شده است.

شرایط سلبی اخلاقی: سوابق سوءسیاسی و رفتاری مانند سوء شهرت (بنده ماده ۲۸)، سوابق وابستگی و همکاری با رژیم طاغوت، اقدام علیه جمهوری اسلامی، محکومیت به ارتداد و برخی جرائم، اشتهار به فساد و تجاهر به فسق، قاچاق و اعتیاد به مواد مخدر و شمول اصل ۴۹ قانون اساسی بر اساس ماده ۳۰ قانون انتخابات، موجب محرومیت از داوطلبی و رد صلاحیت می‌شود.

حسن سابقه نامزد انتخاباتی از مواردی است که بیشتر در قانون کشورها بدان حساسیت ویژه‌ای نشان می‌دهند. تصدی مناصب مهمی مانند نمایندگی مجلس، رفتار و کرداری برتر و والاتر از شهروندان عادی نیاز دارد. در برخی کشورها نوع جرائم ارتكابی در محرومیت نامزد انتخاباتی بسیار مهم است. در فرانسه، استرالیا، کانادا و بریتانیا جرائمی از قبیل فساد در انتخابات یا ورشکستگی، به تقصیر، باعث

انتخابات ضرورت می‌یابد. نکته مهم این است که قوه ناظر باید به گونه‌ای تدبیر شود که اولاً، در انتخابات ذی نفع نباشد و ثانیاً، هیچ گونه وابستگی به افراد، نهادها، قوای ذی نفع، احزاب و گروه‌ها در انتخابات نداشته باشد و، در واقع، مستقل باشد.

در کشورهای گوناگون برای نظارت بر انتخابات شیوه‌های متفاوتی اخذ شده است. در برخی کشورها، به دلیل دخالت نکردن قوای دیگر، خود پارلمان این نظارت را انجام می‌دهد. در برخی کشورهای دیگر نیز به دلیل ماهیت قضایی مسئله و استقلال قوه قضائیه، این امر مهم به قوه قضائیه سپرده شده است. در گروهی دیگر از کشورها شورایی از قوای قضائیه و مقننه این امر مهم را بر عهده دارند. در برخی کشورها نیز نهاد دیگری با عنوان «دادگاه قانون اساسی» عهده‌دار این امر است. در جمهوری اسلامی ایران شورای نگهبان قانون اساسی - که نهادی مستقل از قوای سه‌گانه است - این وظیفه را بر عهده دارد.

محروریت از شرکت در انتخابات است (همان، ۷۰۵).

سوابق اخلاقی و محکومیت‌های کیفری نیز یکی دیگر از موارد اختلاف شرایط انتخاب‌شوندگان در جمهوری اسلامی با نظام‌های غربی است. این اختلاف‌ها به دلیل تفاوت معیارها و ارزش‌های دینی، اخلاقی و عرفی جامعه ایران با جوامع غربی است؛ برای مثال، همکاری با رژیم طاغوت از نظر آنان ارزش به‌شمار می‌آید یا ارتداد به هیچ وجه موضوعیت ندارد و حتی برخی مصادیق فساد در جمهوری اسلامی، در جوامع غربی فساد و تجاهر به فسق به‌شمار نمی‌آید و به‌طور کلی، معیار تعریف اخلاق، حسن شهرت و سوء شهرت در جامعه ایران با جوامع غربی متفاوت است و به همین دلیل در نظام‌های غربی گاه افرادی با سوابق بسیار ناپسند به‌عنوان نماینده مجالس انتخاب می‌شوند.

نظارت بر انتخابات

برای جلوگیری از اخلال و فساد در انتخابات و تضمین درستی آن نظارت بر

ریاست جمهوری و پارلمان بر عهده شورای قانون اساسی است. شورای قانون اساسی در صورت اعتراض به حسن اجرای انتخابات نمایندگان مجلس ملی و سناتورها تصمیم‌گیری می‌کند. افزون بر شورای قانون اساسی، دادگاه‌های اداری و نیز دادگاه‌های دادگستری در زمینه شکایات و دعاوی انتخاباتی انجام وظیفه می‌کنند و در این زمینه به شورای قانون اساسی به عنوان یک مرجع عالی نگریسته می‌شود که تصمیم‌های دادگاه‌های اداری و دادگاه‌های دادگستری نزد آن قابل اعتراض و تجدیدنظر است (همان، ۱۵۳). شورای قانون اساسی فرانسه دارای نه عضو بوده و دوره نمایندگی آنان نه سال و تجدید ناپذیر است.

در جمهوری اسلامی ایران، بر اساس اصل ۹۹ قانون اساسی، نظارت بر انتخابات و همه‌پرسی بر عهده شورای نگهبان است. شورای نگهبان نظارت خود را به کمک گروه‌های نظارت مرکزی، استانی، شهرستانی و ناظران صندوق‌ها انجام می‌دهد.

در ایالات متحده آمریکا، گروه‌های ویژه‌ای بر انتخابات نظارت دارند که به طور عمده، اعضای این هیئت‌ها با عنوان قاضی، وکیل و داور، نمایندگی احزاب را بر عهده دارند. این هیئت‌ها تحت نظارت «کمیسیون انتخاباتی فدرال» قرار دارند و همه فعالیت‌های خود را در محدوده‌های قانونی معین شده، زیر نظر این کمیسیون انجام می‌دهند؛ زیرا در غیر این صورت، اقدامات آنان بی اعتبار است (جعفری ندوشن، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

به جرائم انتخاباتی در دادگاه‌های دادگستری رسیدگی می‌شود. به دعاوی انتخاباتی در سطح فدرال، چنانچه ادعای مغایرت با قانون اساسی وجود داشته باشد، دیوان عالی فدرال رسیدگی می‌کند. ولی در هر حال، مرجع اصلی کمیسیون‌های نظارتی هستند که در صورت اعتراض به دیدگاه‌های آنان، تصمیم قطعی و نهایی درباره صحت انتخابات و همچنین صلاحیت نمایندگان پارلمان است.

در فرانسه، به استناد مواد ۵۸ و ۵۹ قانون اساسی، نظارت بر انتخابات

انتخابات وجود ندارد و کمیسیون نظارت تحت تأثیر شدید احزاب می باشد و تعدد مراجع در این زمینه همیشه در انتخابات آمریکا مسئله ساز بوده است. شورای قانون اساسی فرانسه در ساختار وابسته به دو قوه مقننه و مجریه است و از نظر رسیدگی به تخلفات انتخاباتی، ابتکار عمل را در دست ندارد و باید منتظر شکایت در این باره باشد. در ترکیه نظارت بر انتخابات بر عهده کمیسینی از قوه قضائیه است که این مسئله می تواند استقلال قوه مقننه را مخدوش کند.

نتیجه گیری

انسان موجودی اجتماعی است و به ناچار در اجتماعی زندگی می کند که ساختارهای قدرت و حکومت، فرمانروایی و فرمانبری دارد و برای تعیین سرنوشت خود باید حق مشارکت سیاسی در بافتن تار و پود قدرت را داشته باشد. انسان بدون مشارکت در قدرت نمی تواند جوهره کرامت انسانی و آزادی خود را بروز دهد.

نظارت شورای نگهبان، بنا به دلیل عقلی و نقلی و تفسیر اصل ۹۹ قانون اساسی، استصوابی، عام و فراگیر است و همه مراحل انتخابات از زمان تهیه مقدمات برای اعلام زمان برگزاری انتخابات تا زمان صدور اعتبارنامه را شامل می شود. این نظارت همراه با قاطعیت بوده و ممکن است به ابطال انتخابات در حوزه های بعضی از صندوق های آرا منجر شود. نظر شورای نگهبان قطعی است و توسط مرجع دیگری تجدیدپذیر نیست. جرائم انتخاباتی را دادگاه های دادگستری بررسی می کنند.

در مقایسه شیوه های نظارتی به نظر می رسد که شورای نگهبان نسبت به نهادهای مشابه خود، نهادی قدرتمند، مستقل، دارای بهترین ساختار و شفاف ترین وظایف و اختیارات است. شورای نگهبان نهادی خارج از اختیارات و نفوذ قوای سه گانه و دیگر نهادهای سیاسی بوده و بدون وابستگی های حزبی و گروهی وظایف خود را انجام می دهد؛ ولی همان طور که گفته شد در آمریکا قانون متمرکز و واحدی در زمینه

یکی از سازوکارهای مشارکت سیاسی، انتخابات است. سازماندهی سخت‌افزاری انتخابات و ساماندهی نرم‌افزاری آن، باید به گونه‌ای باشد که با تضمین حق مشارکت واقعی و ایجاد رقابت سالم، بستر ورود نخبگان متعهد را به منصب‌های حکومتی فراهم کند. انسان محوری و قدرت محوری در انتخابات، افراد و جامعه را به گرداب اومانیزم می‌برد و از تکلیف اجتماعی در برابر دیگران دور می‌سازد.

رای دادن بر اساس اصل اولیه آزادی و حق مشارکت است و ایجاد محدودیت در آن استثناست و چون انتخاب شدن سلطه بر امور عمومی، سیاسی و اجتماعی است، رعایت اصول امانت‌داری و حداکثر شایستگی و کفایت لازم و ضروری می‌باشد. بر همین اساس، کیفیت انتخابات و، به ویژه شرایط انتخاب‌کنندگان، با نظام‌های غربی متفاوت خواهد بود.

کتابنامه

نهج البلاغه.

- اصلانی، فیروز و دیگران (۱۳۹۲). *اصول و مبانی حقوق اساسی*، تهران، دانشگاه تهران.
- تقوی، سیدمحمدناصر (۱۳۸۰). «تأثیر انواع مشروعیت در مشارکت سیاسی»، *مجله حکومت اسلامی*، ش ۲۰.
- جعفری ندوشن، علی‌اکبر (۱۳۸۵). *بررسی تطبیقی کارویژه‌های شورای نگهبان*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۷). *حکومت در اسلام (مجموعه مقالات)*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۳). «تحول از مشارکت منفعلانه به مشارکت فعالانه»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۳۲، ص ۱۶۶.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۰). *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نی.
- عالیخانی، محمد (۱۳۷۳). *حقوق اساسی*، تهران، دستار.
- قاری سید فاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۹). *حقوق بشر در جهان معاصر*، تهران، شهردانش.

- قاضی، ابوالفضل (۱۳۶۸). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران، دانشگاه تهران.
- قزوینی، عبدالکریم محمدبن یحیی به کوشش رسول جعفریان (۱۳۷۱). *بقا و زوال دولت در کلمات سیاسی امیرمؤمنان*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- قوانین انتخابات مجلس خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی.
- قوانین اساسی جمهوری اسلامی ایران، فرانسه، ایتالیا، روسیه، آلمان آمریکا.
- مدنی، سیدجلال الدین (۱۳۷۴). *حقوق اساسی تطبیقی*، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). *نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام*، نگارش عبدالکریم سلیمی، قم، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی.
- موسوی خمینی، سیدروح الله [امام] (۱۳۷۸). *صحیفه امام (مجموعه سخنان امام خمینی)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۹۸۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل البيت دارالاحیاء التراث.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران، میزان.
- _____ (۱۳۹۰). *حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی*، تهران، میزان.